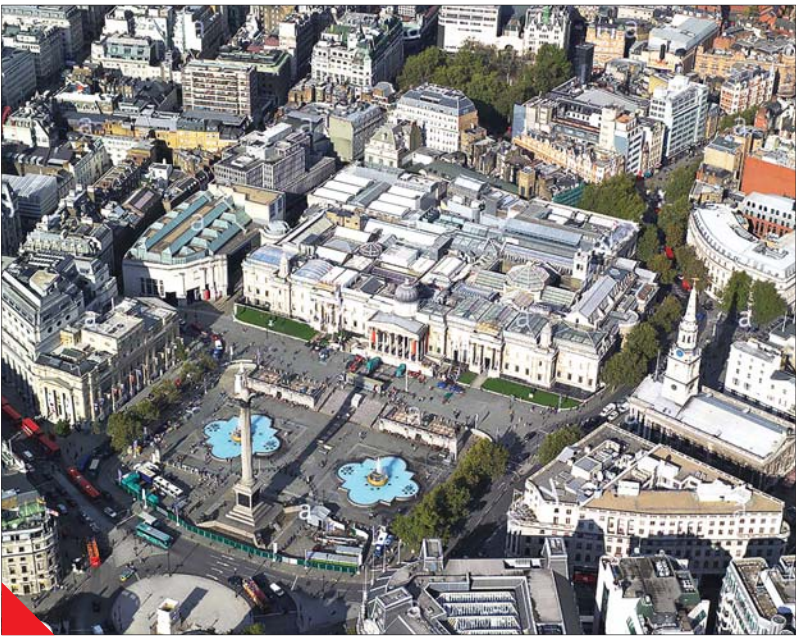
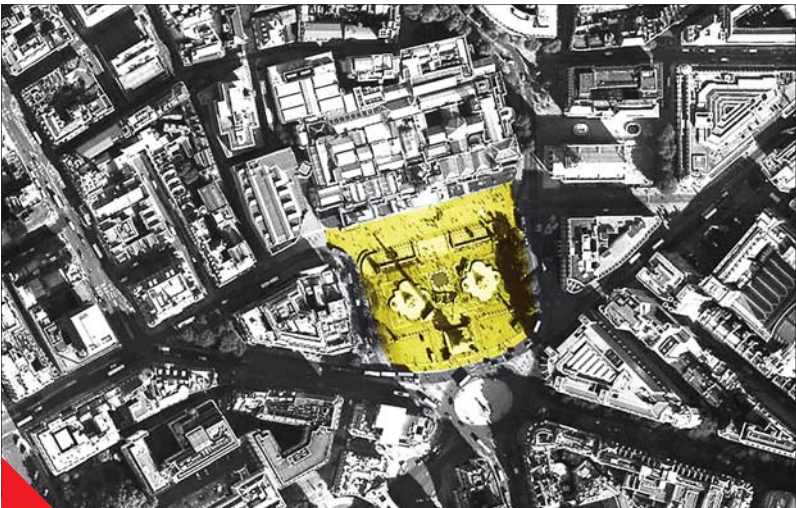




میدان وگ، همراه با عقب شناسی سرویس بهداشتی



میدان ترافالگر در مرکز لندن



تصویر هوایی میدان ترافالگر، لندن



تصویر هوایی میدان وگ، تهران

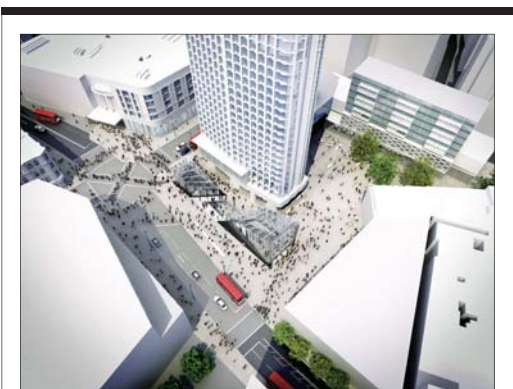
واکاوی قابلیت شگفت انگیز یک «زمین بکر» در تحول یک گره مهم شهری

آیا می‌توان میدان ونک را نجات داد؟

زمینی برای میدان، فضایی برای شهر(وند)!

و از جنوب به خیابان ونک تکیه می‌زند. زمینی که می‌تواند با یک برنامه‌ریزی هدفمند و انسان‌گرا، تا حد زیادی نواقض پیش‌تر برشمرده این میدان مهم پایتخت را رفع و رجوع کند که در سطور پیش‌رو توضیح خواهم داد. باید گفت این زمین سال‌هاست در کش‌وقوس جدالی بی‌پایان گرفتار آمده و همین که تا به امروز از تبدیل‌شدن به برج «آسمان»ی دیگر (یا همان مرکز خرید آسمان ونک) جان به در برده جای شکرش باقی است. البته نگارنده این سطور به‌هیچ‌وجه قصد وارد شدن به دعوای سالیان شهوداری، شورای شهر، مالک (و به‌تازگی مترو) بر سر این زمین ندارد که اصلا مورد بحث این قلم نیست؛ اما درعین‌حال نمی‌تواند خرسندی خویش را از اینکه شهوداری منطقه سه تهران با مالک زمین بر سر عرصه و اعیان آن به تفاهم رسیده و ۷۰ درصد از این ملک به فضای سبز متعلق شده، پنهان کند. همین‌طور که تا نمی‌تواند بر تصمیم خردمندانه شورای عالی شهرسازی و معماری که تا اطلاع ثانوی هرگونه عملیات اجرایی در این زمین را ممنوع اعلام کرده چشم ببوشد. آنچه دغدغه این قلم است، چیزی ورای کشمکش‌های سوداگرایانه بر سر قطعه زمینی است که سال‌هاست در کنج میدانی در پایتخت مملکت در انتظار سرنوشتی نامعلوم سماقی می‌مکد؛ مسئله‌ای که این نوشتار درباره آن بحث می‌کند، موقعیت ویژه این زمین در جوار یک گره مهم شهری (در اینجا میدان ونک) و چگونگی بهره‌وری از فواید آن برای شهر و شهروندان است. این مسئله به‌راحتی قابل تعمیم خواهد بود به بسیاری از زمین‌های خاص و بلاتکلیف که در بستر شهرهای ما جا خوش کرده‌اند.

برای اینکه تصویری از مقیاس «زمین ضلع شمال غربی میدان ونک» به دست دهم، شما را ارجاع می‌دهم به میدان تاریخی ترافالکار در مرکز لندن. این میدان یادمانی با وسعتی حدود یک هکتار یکی از مهم‌ترین میداین شهری در بریتانیاست. میدان ترافالکار درعین‌حال که یک میدان سمبولیک است، درواقع یک پلازای عظیم شهری در اختیار پیاده‌هاست.



تعریف یک فضای باز عمومی جدید برای شهر که علاوه بر ایستگاه جدید مترو، برج قدیمی «سنترپوینت» را نیز در خود جای می‌دهد. («سنتر پوینت» در سال ۱۹۶۶ افتتاح شد و هم‌اکنون در حال بازسازی است) (منبع تصویر: Crossrail Ltd 2016)



احمد رضا حکیمی‌نژاد
معمار و طراح شهر

این قول معروفی است که شهرها، عین تمدن هستند، اما آنچه مهم است کیفیت این «تمدن» است. بسر کولین بوچانان، شهرساز برجسته بریتانیایی، دستیابی به این کیفیت (کیفیت محیط شهری) را خیلی ساده در گرو دو چیز می‌داند: آزادانه راه‌رفتن و نگاه‌کردن؛ اینکه با فراغ بال بتوانی در شهر راه بروی، قدم بزنی و به اطراف بنگری^۱. بوچانان کیفیت محیط شهری را در راحتی «انسان پیاده» جست‌وجو می‌کند. اینکه او چقدر راحت می‌تواند در شهر گام بردارد و نگاه کند؛ اما آزادی عابر پیاده در شهر- آن‌گونه که فرانسیس تیبالدز، طراح شهر بریتانیایی به‌درستی نقل می‌کند- به دو چیز بسته است: مدیریت ترافیک و چگونگی شکل‌گیری و جانمایی بناها^۲. نگاهی موشگافانه به وضعیت اکنون شهرهای ایران، بیان‌کننده این مدعاست که شهرهای امروز ما با چالش‌های جدی در هر دو زمینه پیش‌گفته مواجه‌اند. شهرهای امروز ما مستلزم نقد جدی و ساختاری‌اند. از سویی واکاوی نمونه‌های مودی و زنده در بستر شهر، شاید بتواند خوانشی دقیق‌تر از چالش‌های شهر به دست دهد و شاید هم نگارنده خیال خام می‌زد که یادآوری پتانسل‌های موجود در گوشه و کنار همین شهرهای دودآلوده و ماشین‌زده، تلنگری باشد برای تصمیم‌سازان حوزه شهر. باشد که این صدا شنیده شود!

میدان ونک درواقع یک میدان شهری (urban square) نیست، بلکه به معنای دقیق کلمه یک فلکه ترافیکی (roundabout) است. فلکه‌ها اغلب جزیره‌های متروکه‌ای هستند که حتی اگر عابر پیاده از گرداب بیمناک ماشین و آسفالت به سلامت گذر کرد و به ساحل آن رسید، او را اغنیتی

است به موسیقی دل‌انگیز گاز و ترمز و رادیاتور، به رایحه هوش‌ربای اگزوز و البته به مناظر بدیع ترافیک؛ این آشفتنگی دوار بی‌پایان؛ از این روست که این‌جزیره خالی از سکنه و بی‌مصرف را باید به ضرب و زور آب و سبزه بیارایند که لاقال برای سواره‌ها منظره‌ای دست‌وپا کرده باشند. از این دیدگاه، میدان ونک مثال بی‌نقصی است از یک فلکه ترافیکی تمام‌عیار ونک، میدانی است که چهار خیابان و یک بزرگراه به آن متصل شده؛ میدانی که سر راه شریان تاریخی و حائزاهمیت «ولیعصر» نشسته است که از میدان راه‌آهن تا تجریش، جنوب تا شمال پایتخت را به هم می‌دوزد. اجازه دهید از سمت جنوب خیابان ولیعصر وارد محدوده میدان شویم و از منظر یک انسان پیاده به اطراف نگاهی بیندازیم. همین‌که به آستانه میدان برسی، در ضلع جنوب شرقی، به دو عنصر شاخص بروخاهی خورد: «داروخانه شبانه‌روزی قانون» و «سرویس بهداشتی عمومی». «جلوی داروخانه قانون» درست همان جایی است که اگر بخواهید در میدان ونک قرار ملاقات بگذارید احتمالا به آن متوسل می‌شوید. شما در میدان شاخص و پُرآدم‌شدی چون «ونک» به‌نوعان عابر پیاده فضایی برای مکت ندارید، مگر جلوی داروخانه قانون یا شاید هم جلوی توالت عمومی ونک! اینکه طبق کدام اصل طراحی شهری، جداره یک میدان مهم شهری را به مستراح (که البته وجودش ضروری است؛ اما جانمایی درستش ضروری‌تر) اختصاص می‌دهیم از حوصله این قلم خارج است! ضلع غربی میدان، ایستگاه تاکسی‌هاست که به بلبورد غول‌پیکری مزین است. ایستگاه و بلبورد هر دو نقش بسزایی در اغتشاش بصری پیش‌آمده دارند. میدان ونک در واقع جداره شهری منسجمی ندارد. جداره‌های شهری، همان پوسته‌های بیرونی ساختمان‌ها هستند که بخش مهمی از سیمای شهر را شکل می‌دهند. میدان ونک از این پوسته بی‌بهره است. هر آنچه هست یک «زهم‌گسیختگی» شهری و یک آشفتنگی بصری است. خط آسمان میدان گیج و گنگ است، در چنین وضعیتی است که باید دست به دامن نقاشی‌های دیواری شویم که شاید به جادوی قلم نقاش، چهره عبوس میدان را کمی لطیف کنیم. البته بعید است دیوار بدقواره و خارج از مقیاس ضلع غربی میدان با این ترفندها چشم‌های شما را نوازش کند. این همه گفتم که برسم به سوی شمال غربی میدان که سال‌هاست به پوششی رنگین محصور است. ورای این حصار، زمینی بکر آرمیده به وسعت تقریبی ۱۰۸ هکتار که از شمال به خیابان خدامی، از شرق به خیابان ولیعصر

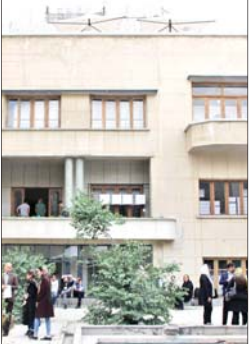
معماری

دوسالانه معماری ایران در خانه وارطان

شرق؛ اولین دوسالانه معماری تهران در خانه گفتمان شهری و معماری (خانه وارطان) افتتاح شد. شاید این آرزوی بسیاری از معماران جوان و پیش‌کسوتان عرصه معماری باشد که بالاخره در سال ۹۵ و با همت وزارت راه و شهرسازی برآورده شده است. آنهایی که معماری جزء دل‌مشغولی‌هایشان به‌شمار می‌رود، اصلی‌ترین مخاطبان این دوسالانه خواهند بود اما حضور فعال چهره‌های فرهنگی چون محمدرضا اصلانی سینماگر هم در این دوسالانه حکایت از آن دارد که فارغ از فعالان عرصه معماری، چنین برنامه‌هایی می‌تواند به ارتباط بیشتر عموم مردم با مسئله معماری منجر شود؛ ایده‌ای که سال‌ها پیش نیز توسط بسیاری از معماران به آن اشاره شده است.

این دوسالانه در سه فصل برگزار می‌شود: فصل اول که تمرکز بیشتری بر فعالیت‌های نمایشگاهی دارد، تا بیست‌وسوم تیرماه ادامه خواهد داشت و در فصل دوم دوسالانه آغاز به کار می‌کند که بیشتر تمرکز بر روی فعالیت‌های شهری خواهد داشت. در فصل سوم هم که در ماه آخر دوسالانه برپا می‌شود نیز برنامه‌های متفاوتی تدارک دیده‌شده که به‌زودی جزئیات آن اعلام می‌شود.

هدف از برگزاری چنین برنامه‌ای چیست؟ این سوآلی است که داورِی، یکی از مسئولان این دوسالانه، چنین به آن پاسخ می‌دهد: «اصلی‌ترین هدف ما از برگزاری این رویداد درگیرکردن جامعه با ماهیت معماری است. ضمن اینکه تمرکز زیادی روی پروژه‌های تحقیقاتی معماران گذاشته شده که ماحصل این پژوهش‌ها در فصل‌های مختلف دوسالانه به نمایش گذاشته می‌شود». به گفته او، «یکی از مهم‌ترین اتفاق‌ها که دوسالانه معماری سعی می‌کند بسترهای لازم آن را فراهم کند، آشناکردن دانشجویان با فضای



پژوهش در معماری است. درواقع ما در دوسالانه، هم نگاه پژوهشی و هم نگاه اجتماعی و شهری داشته‌ایم. مسلماناگر معماران ما با رویکردهای پژوهشی و درعین‌حال رویکردهای اجتماعی معماری بیشتر آشنا شوند، طی سال‌های آینده خواهیم توانست تأثیر برگزاری دوسالانه معماری را در سطح شهر ببینیم». دکتر محمدسعید ایزدی، معاون وزیر راه و شهرسازی، نیز که در مراسم افتتاحیه این دوسالانه شرکت کرده، می‌گوید: «این رویداد می‌تواند به‌طورکلی معماری کشور را مورد پاسداشت و توجه قرار دهد. ساختمانی هم که دوسالانه در آن افتتاح می‌شود یکی از آثار معمار فقید، «وارطان هوانیسان»، است. این ملک در معرض تخریب بود که ما آن را خریداری و تبدیل به فضایی برای گفتمان شهری کردیم. برگزاری دوسالانه معماری تهران در این محل را باید به فال نیک گرفت. یکی از اهداف دوسالانه نیز باید همین باشد که بتواند معماری‌های این‌چنینی را بیشتروبیشتر به مردم و جامعه معرفی و تلاش کند این نوع معماری با این کیفیت، تداوم پیدا کند». «اولین دوسالانه معماری تهران» به دبیری دکتر حامد مظاهریان و به همت معاونت مسکن و ساختمان وزارت راه و شهرسازی شامل نمایشگاه‌های هنری، نمایشگاه‌های شهری، سمینار و کارگاه، از ۲۵ اردیبهشت تا آبان سال ۱۳۹۵ در خانه گفتمان شهر و معماری برگزار می‌شود. علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر از نمایشگاه می‌توانند به سایت www.tehranarchitecturebiennale.org مراجعه کنند.

ستون سوم

مدیریت شهری مشهد و چند نکته



علی اعطا

اخیرا شورای‌عالی شهرسازی و معماری ایران، در جلسه مورخ ۳ خرداد ماه ۹۵، با دعوت از شهردار مشهد و تعدادی از مسئولان عالی‌رتبه استانی، تخلفات شهرداری مشهد در حوزه بلندمرتبه‌سازی و مواردی از تخریب باغات را مورد بررسی قرار داد. در این جلسه، تعدادی از مسئولان عالی‌رتبه استانی نیز، بر حجم تخلفات شهرداری مشهد، صحه گذاشتند و درحقیقت، این حجم تخلف در حوزه بلندمرتبه‌سازی شکفتی برخی از اعضای شورای‌عالی را در بر داشت. درواقع، بر اساس اسنادی که در برخی از خبرگزاری‌ها منتشر شد، روشن بود که در مقاطع مختلف، از سوی اداره کل راه و شهرسازی و معاونت هماهنگی عمرانی استانداری خراسان رضوی، به مدیریت شهری هشدار داده شده است، اما مدیریت شهری، به دلایلی، نسبت به هشدار در جهت توقف تخلفات، بی‌توجه بوده است.

یکی از آسیب‌هایی که در سال‌های اخیر، متوجه مدیریت‌های شهری بوده است، افزایش معنادرآمدهای ناپایدار و متکی به عوارض ساختمانی است. این امر، زمانی ابعاد غیرقابل پذیرش می‌یابد که این درآمدها از راه شهرفروشی حاصل شده باشد. از مصدیق بارز شهرفروشی که متأسفانه بسیاری از کلان‌شهرها با آن مواجه هستند، بلندمرتبه‌سازی‌های خارج از ضابطه است که مترادف است با تضییع حق و حقوق شهروندان. به واسطه بارگذاری‌های بیش از حد در قطعات زمین، که تبعات ترافیکی، افزایش جمعیت‌پذیری خارج از مطالعه، برهم‌زدن انضباط کالبدی و مسائلی از این قبیل را در بر دارد. گزارشی که در شورای‌عالی شهرسازی در رابطه با تخلفات شهرداری مشهد در حوزه بلندمرتبه‌سازی ارائه شد، بیانگر حجم وسیعی از بلندمرتبه‌سازی‌های خارج از ضابطه است که صدور مجوز آنها توسط شهرداری، مراحل قانونی را طی نکرده است و اساسا شهرداری مجاز به صدور این مجوزها نبوده است. از آن جمله می‌توان به صدور مجوز بلندمرتبه‌سازی در بافت مسکونی با تراکم کم و متوسط، اشاره کرد.

بر اساس مذاکرات صورت گرفته در جلسه مورخ ۳ خرداد ماه ۹۵، در نامه دکتر پیروز حاجی دبیر شورای‌عالی شهرسازی و معماری ایران به استاندار خراسان رضوی، آمده است: «شورای‌عالی شهرسازی و معماری ایران در جلسه مورخ ۹۵/۳/۳ پس از استماع گزارش دبیرخانه درباره تخلفات صورت گرفته و اقرار و اصرار شهردار به انجام این تخلفات، مقرر کرد: تا زمان ابلاغ ضوابط بلندمرتبه‌سازی طرح جامع، هرگونه تشکیل پرونده، توافق، اتخاذ تصمیم و صدور پروانه ساختمان‌های شش طبقه و بیشتر در شهرداری ممنوع است...».

طبیعی است با توجه به جایگاه قانونی شورای‌عالی شهرسازی و معماری ایران^۱ این ابلاغیه برای شهرداری مشهد لازم‌الاجراست. این شورا در دولت تدبیر و امید، از ابتدای فعالیت به روشنی سیاست جلوگیری جدی از تخلفات شهری توسط شهرداری‌ها را در پیش گرفته است و کارنامه روشنی در این رابطه دارد. چنانکه، مواردی را به تفصیل می‌توان اشاره کرد و توضیح داد که شورای‌عالی شهرسازی با بررسی عملکرد شهرداری‌ها در زمینه‌های کالبدی، نسبت به تخلفات درشت مقیاس، حساسیت نشان داده و این امر، صرفا مربوط به شهرهای تهران و مشهد نبوده است. طبیعی است که در موارد مختلف، مدیریت‌های شهری به جلسات شورای‌عالی دعوت شده‌اند و عملکرد آنان مورد بررسی قرار گرفته و در موارد لازم، بر برخوردهای قانونی جدی صورت گرفته است، در رابطه با شهر مشهد، نیز وضعیت به همین منوال است. اما نکته قابل تأمل، اصرار و ابرام مجموعه مدیریت شهری و بخشی از شورای شهر مشهد، بر ادامه این روند است که به روشنی با مفاد قانون تأسیس شورای‌عالی شهرسازی و معماری در تضاد قرار می‌گیرد. بر اساس ماده ۷ قانون تأسیس این شورا، «شهرداری‌ها مکلف به اجرای مصوبات شورای‌عالی شهرسازی و معماری ایران طبق مفاد ماده ۲ می‌باشند. در موارد ابهام و اشکال و اختلاف نظر در نحوه اجرای طرح‌های جامع و تفصیلی و شهری موضوع ماده ۵ مراتب در شورای‌عالی شهرسازی مطرح و نظر شورای‌عالی قطعی و لازم‌الاجراء خواهد بود». پیداست که بر اساس قانون مصوب، مصوبات شورای‌عالی شهرسازی، برای مدیریت شهری لازم‌الاجراست. شورای عالی شهرسازی نیز به‌صورت فی‌البداهه وارد این موضوع نشده؛ یک سال پیش طرح جامع مشهد در دستور کار قرار گرفته و بسیاری از مسائلی که امروز مطرح می‌شود در ادامه ارسال طرح جامع از استان به این شورا بوده است. در جلسه مورخ ۱۸ خرداد ماه شورای شهر مشهد لایحه‌ای از سوی شهرداری مطرح شده است که بر اساس آن، «مصوبات شورای‌عالی شهرسازی را در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ماه و سه خرداد ماه سال جاری مغایر با وظایف این شورا دانسته» و اضافه می‌کند «چنین وظایفی برای شورای‌عالی شهرسازی در قانون ماده ۲ تنبیکال این شورا نیامده، بنابراین شهرداری به تکلیف خود طبق گذشته عمل می‌کند».

پرسش اینجاست که آیا کسانی که در شهرداری مشهد این لایحه را تنظیم کرده و به شورای شهر ارائه کرده اند؛ و کسانی که در شورای شهر به آن رای داده اند؛ از جایگاه قانونی شورای‌عالی شهرسازی و معماری ایران اطلاع کافی دارند؟ آیا نسبت به شان و جایگاه حاکمیتی این شورا اشراف و اطلاع کافی دارند؟ چگونه ممکن است برخی از اعضای شورای شهر تا این حد نسبت به قوانین بی‌اطلاع باشند و تصور کنند شورای شهر مشهد به لحاظ قانونی در جایگاهی قرار دارد که مصوبات شورای‌عالی شهرسازی را ملغی اعلام کند. این هم یکی از عجایب روزگار است.

مقاومت در برابر قانون، به سود شهر و شهروندان نیست. شهرداری مشهد و برخی از اعضای شورای اسلامی شهر مشهد باید توجه کافی داشته‌اند که وقتی مصوبه‌ای از سوی شورای‌عالی شهرسازی و معماری ابلاغ می‌شود؛ این مصوبه اعتبار قانونی دارد. چنان‌که دبیر شورای‌عالی شهرسازی مطرح کرده است «شورای‌عالی شهرسازی به نمایندگی از دستگاه‌های حاکمیتی مصوبات را ابلاغ می‌کند و در دستور کار قرار می‌دهد، تصمیمات را تمامی دستگاه‌های عضو شورای‌عالی شهرسازی با هم می‌گیرند. موضوعی که برای این شورا اهمیت دارد این است که شهرهای ما بر اساس انضباط و بر مدار طرح‌هایی که تصویب می‌شوند درمسیر رعایت موازین قانونی اداره شوند». درست است که در دهه گذشته دستگاه‌های حاکمیتی چندان در مسائل شهری مشهد، ورود نکرده‌اند و اقدامات کالبدی در این شهر، در مسیر درستی هدایت نشده است، اما واضح است که مدیریت شهری مشهد نمی‌تواند گله مند باشد که چرا درحال‌حاضر، شورای‌عالی شهرسازی بر اساس سیاست‌های خود در دوره جدید، مدیریت‌های شهری را مورد پرسش قرار می‌دهد و از آنان در رابطه با تخلفات کالبدی باخ‌خواست می‌کند.